

آکادمی

عدالت زیست‌محیطی و شهروند جهانی

■ همایش «عدالت زیست‌محیطی و شهروند جهانی» روز جمعه ۱۷ تیرماه در کالج منسفیلد دانشگاه آکسفورد با هدف بررسی مسایل مربوط به عدالت جهانی و وظایف یک شهروند در دنیای کنونی برگزار می‌شود. به گزارش مهر، این همایش با رویکردی میان رشته‌ای به مسایل مربوط به عدالت جهانی و شهروند جهانی می‌پردازد و از منظرهای گوناگون این موضوعات را مورد بررسی قرار می‌دهد.

وجوه مشترک علوم

■ همایش بین‌المللی «وجوه مشترک علوم» از هشتم تا ۱۰ دسامبر (۱۷ تا ۱۹ آذر) در شهر نانسی فرانسه برگزار می‌شود. این همایش که با هدف بحث و بررسی پیرامون مسایل فلسفی مربوط به جنبه‌های مشترک علوم برگزار می‌شود، در نظر دارد میان محققان رشته‌های مختلف مانند فلسفه علم، معرفت‌شناسی اجتماعی، منطق معرفتی، معرفت‌شناسی رسمی، فلسفه‌اقتصاد، فلسفه‌منطق و همچنین ریاضیات، علوم رایانه و علوم شناختی تعامل ایجاد کند. شباهت‌ها و تفاوت‌های تعریفی و معرفت‌شناختی، درک علمی در علوم محاسباتی، روش‌های ارتباطات علمی، انتشار نتایج علمی، معرفت‌شناسی انباشت علمی در دایره‌المعارف‌ها، پایگاه‌های داده عمومی و پایگانی علمی، عقلانیت علمی فردی و جمعی، دانش ضمنی در تعاملات علمی، پرسش‌های سنتی در معرفت‌شناسی اجتماعی و روش‌های رسمی و غیررسمی علوم تجربی از جمله موضوعاتی هستند که در این همایش مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت. به گزارش مهر، در همایش بین‌المللی «وجوه مشترک علوم» اساتید و صاحب‌نظرانی چون جان گریکو (دانشگاه سنت لوییس)، فیلیپ کیچر (دانشگاه کلمبیا)، پل تاگارد (دانشگاه واترلو)، جان وودز (دانشگاه بریتیش کلمبیا) و جی. زامورا بونیلّا (دانشگاه مادرید) نیز سخنرانی می‌کنند.

خوانش کانت

■ همایش سالانه انجمن کانت بریتانیا با عنوان «خوانش کانت» اول تا سوم سپتامبر (۱۰ تا ۱۲ شهریور) در دانشگاه سنت اندروز اسکاتلند برگزار می‌شود. ایمانول کانت، فیلسوف آلمانی و از مهم‌ترین فیلسوفان سده‌های جدید اروپا وی‌د از هیوم و لایبنیتس تاثیر زیادی گرفته و بر فلاسفه



بعد از خود مانند هگل و جریان ایده‌آلیسم آلمانی نیز تاثیر زیادی بر جای گذاشته است. تاثیر وی اما تا به این حد است که به جرأت می‌توان تاریخ فلسفه معاصر را به پیش و پس از وی تقسیم کرد و همین اهمیت سبب شده است تا انجمن کانت بریتانیا هر ساله همایشی را دربارهِ وی برگزار کند. به گزارش مهر، همایش امسال نیز که با عنوان «خوانش کانت» میزبان اساتید و صاحب‌نظرانی چون شررون برد (دانشگاه ینا)، یواخیم هروسکا (دانشگاه ارلانگن) و کنستانتین پولاک (دانشگاه کارولینیایی جنوبی) خواهد بود.

معنا، جامعه و ارزش

■ همایش بین‌المللی و میان رشته‌ای «معنا، جامعه و ارزش» تا ۲۸ تا ۳۰ دسامبر (هفتم تا نهم دی) در شهر کلکته هند برگزار می‌شود. این همایش توسط مرکز معنویت، اخلاق و آگاهی جهانی و با هدف بحث و بررسی موضوعاتی چون معنای انسانیت، معنای اجتماعی، معنای دلالت‌کننده، اسطوره و استعاره، معنا به مثابه امری جهانی، معنا به مثابه فرم، کلی و جزئی، ساختار و هویت، هویت اجتماعی، پویایی فرهنگ گروهی، مرزهای قومی، ساختگرایی و شالوده‌شکنی هویت قومی، تحول جامعه، مواجهه با فرهنگ‌های مختلف، شکوفه فرهنگی و جامعه و اثر استعمار برگزار می‌شود. رسانه و جامعه، اخلاق و جامعه، قواعد رفتار، رویکرد تئوپرستی در اخلاق، ارزش‌ها در اخلاق کنفوسیوسی، کمال گرایی و اخلاق موقعیت، عرفان و عصر مدرن، اومانیسم و پوزیتیویسم، رویکرد تقلیل‌گرایانه به مسئولیت اخلاقی، هویت قومی و فرهنگ، انسان‌شناسی فرهنگی، فرهنگ و مصرف، بودایی، بودیسم و فلسفه شالوده‌شکنی و اخلاق مدرنیتبه از دیگر موضوعات مورد بحث در این همایش خواهند بود. به گزارش مهر، در این همایش اساتید و صاحب‌نظرانی چون مایکل آلن کیسار چاکرabortی، لیندا الدر، گوردون هیست، الیزابت کلنزاک، ماریا ماچفسکی، جوان مایر، ژان مولن، مینگ شائو، نانسی اسنو تامی لیتون، اندرو وارد، مارک وود و چاندانا چاکرabortی شرکت می‌کنند.

هرگاه فرد یا گروهی از کشورهای اسلامی یا عربی در مورد یک رفتار خشنوت‌آمیز مورد سوءظن قرار گیرند، به خصوص زمانی که نام این گروه با هر مقصود ریشه‌شناسانه و معنانشناسانه با جهاد مرتبط باشد، پروپاگاندای وحشیانه جنگ در وسایل ارتباط جمعی غربی علیه اسلام به کار گرفته می‌شود.انسان منطقی وباوجدان تروریسم را نمی‌پذیرد و تمامی مردم باید با هم برای دفاع از خودشان در برابر اشکال گوناگون ترور همکاری کنند. تحمل وحشتی که برای انسان یا فرد مورد علاقه انسان بر اثر هواپیماربایی یا بمب‌گذاری رخ می‌دهد، غیرممکن است. اما باید توجه داشت همان‌طور که در مبارزه با یک بیماری یا یک مرض واگیردار تشخیص درست لازمه درمان بیماری است؛ در نتیجه باید به رستی علایم بیماری را پیدا کنیم و علل ممکن را مورد تحلیل قرار دهیم. چند سال قبل در یکی از دانشگاه‌های یک کشور خاص نسبت به اعراب کنفرانسی در مورد «سلام و تروریسم» تشکیل شد. منتخبی از مقالات ارایه شده به چاپ رسید. همان‌طور که عنوان کنفرانس اشاره داشت، یکی از دانشمندان در مقاله‌اش این پرسش را مطرح کرد که چرا تنها اسلام، نه ادیان دیگر در تروریسم دست دارد؟ پاسخ و

این بود که چون اسلام هم یک دین به شمار می‌آید و هم یک حکومت در ضمن در تعالیم خود مفهومی چون جهاد را جای داده است. در نتیجه سخن راندن از ارتباط اسلام با تروریسم غیرمنطقی نیست. این نویسنده واقعیت‌های زیادی را نادیده گرفته که ذکر آنها خالی از لطف نیست:
(۱) رابطه تاریخی میان مسیحیت و جنگ‌های صلیبی.
(۲) جنگ‌های میان پادشاهان اروپایی و پاپ‌ها.
(۳) خونریزی کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در گذشته و امروز در یوسنی.
(۴) تهاجم استعماری که هدف اصلی خود را گسترش مسیحیت عنوان کرد و از سوی سازمان‌های مسیونری حمایت و تقدیس می‌شد. و...
از این گذشته در ایرلند شمالی زمینه‌ای اجتماعی و بومی اختلاف میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها بسیار روشن است و نمی‌توان عامل دینی را در این میان نادیده گرفت. در ضمن برخی از رهبران طرفدار اتحاد ایرلند شمالی با بریتانیا کشیشان پروتستان هستند. اما حتی وودز (دانشگاه بریتیش کلمبیا) و جی. زامورا بونیلّا (دانشگاه مادرید) نیز سخنرانی می‌کنند.

و از جمله این حمایت‌ها، استفاده اسلحه توسط ایشان بود. هنگامی که یکی از شخصیت‌های برجسته واتیکان مدعی می‌شود که نمی‌توانند حضرت عیسی مسیح (ع) را با تفنگ تصور کند، دیگران در پاسخ به او می‌گویند که نمی‌توانند حضرت مسیح (ع) را در قبال استبداد سیاسی و اجتماعی بی‌تفاوت و منفعل ببینند. این شخصیت روحانی در واتیکان نمی‌تواند به سخن خویش وفادار بماند در حالی که در کتاب مقدس، انجیل متی باب بیست و یکم، آیه ۱۱ الی ۱۳ می‌خوانیم: «و چون وارد اورشلم شد تمام شهر به آشوب آمده می‌گفتند این کیست؟ گفتند این است عیسی نبی از ناصره جلیل پس عیسی وارد هیکل خدا گشت و کرسی‌های کیوت فروشان را واژگون

رضاگندمی نصرآبادی:

نگاهی تازه به فلسفه قرون وسطا

«تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطا» امتیازات و ویژگی‌هایی بر دیگر آثار ژیلسون دارد، او در غالب کتاب‌هایش فلسفه یا فیلسوف خاصی را مورد مطالعه قرار داده است، اما در این کتاب به مقطع قابل توجهی از تاریخ فلسفه، یعنی، حدود ۱۴ قرن، از یوسئین شهید تا اواخر قرن پانزدهم، پرداخته است. ویژگی دیگر «تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطا»، نگاه تازه‌ای است که به فلسفه قرون وسطا دارد؛ فلسفه‌ای که به زعم بسیاری از متفکران و فلاسفه، فصل راکدی است و تنها دوران ماقبل و بعد از آن قابلیت پژوهش و تحقیق دارد. ژیلسون در این کتاب بسیاری از آرای فلسفه‌های دوران مدرن را در قرون وسطا ردیابی کرده است. ژیلسون تمام متفکرانی را که به زعم دیگر متفکران در رده‌های دوم یا سوم قرار می‌گیرند، مورد بررسی قرار داده است. او یک فصل را به ابن‌رشدیان لاتینی و ابن‌رشدیان لاتینی دوم اختصاص داده است. دقت نظر وی در این خصوص، که دیگر آثار مشابه دیده نمی‌شود. یادداشت‌های پایانی «تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطا» از دیگر امتیازات این اثر است. بسیاری از نکات عمیق کتاب را باید در این یادداشت‌ها جست‌وجو کرد، که متأسفانه بخشی از آنها به دلیل تعدیل قیمت، حذف شده است. ژیلسون معتقد است «عنوان فلسفه اسلامی برانده متکلمان اشعری است» و در بخشی از کتاب، تحت عنوان فلسفه عربی و یهودی، متکلمان اشعری را مورد بحث قرار نمی‌دهد. به نظر می‌رسد ژیلسون اعتقاد چندانی به فلسفه اسلامی ندارد. او اینکه معیار ژیلسون در استفاده از واژه فلسفه عربی، زبان است، چراکه تمامی فلاسفه مسلمان مثل ابن‌سینا، ابن‌رشد و غزالی، آثار خود را به زبان عربی نگاشته‌اند، در این صورت، این ایراد بر وی وارد است که غالب آثار یهودی، مثل آثار ابن‌میمون و اسحاق اسراییلی، هم به زبان عربی نگاشته شده است، بنابراین نیازی به جداسازی فلسفه یهودی از عربی نیست.
ظاهرا معیار دیگری وجود دارد، او در پرداختن به فلسفه عربی، فلاسفه‌ای را مورد بحث قرار می‌دهد که بر فلسفه مسیحی تاثیرگذار بوده‌اند. ژیلسون در تقسیم‌بندی‌های ادوار فلسفه تقسیم‌بندی هگل را پذیرفته اما در عمل به نحوی از آن عدول کرده است، چراکه نتوانسته از آبای یونانی و لاتینی کلیسا و حوزه اسکندریه بگذرد.

اندیشه



اسلام، تروریسم

کج‌فهمی‌های غربی

محمد فتحی عثمان، ترجمه: حامدفرجی

ساخت و ایشان را گفت مکتوب است که خانه من خانه دعا نامیده شود. لیکن شما مغاره درناش ساختهاید.» اما در مورد یهودیت، کتاب مقدس و تاریخ یهودی جنگ‌های بی‌دری نظامی را ثبت کرده است. آن‌طور که اکثر صهیونیست‌ها قابل هستند، اگر صهیونیسم در خود یهودیت ریشه داشته باشد، در سابقه یهودیت یک رابطه جدید با نزاع‌طلبی و خشونت اضافه خواهد شد. من هیچ اشکالی در این موضوع نمی‌بینم که دینی برای عدالت و حقوق بشر جنگ را مشروعیت بخشد. ازجمله مواردی که در دایره حقوق بشر قرار می‌گیرد، آزادی اجباری عقیده و بیان در جایی است که تمام راه‌های مسالمت‌آمیز مسدود شده باشد و کسی نمی‌تواند نادیده بگیرد که اسلام یک چنین جایگاهی دارد. به‌هر ترتیب می‌توان خط فاصلی کشید میان استفاده مشروع و نامشروع از دفاع از حقوق‌شان و بر پا داشتن عدالت به دست آمده است، اگر شمار دپای تجربیات انسان را در گذشته و امروز جست‌وجو کنید به این نتیجه خواهید رسید که چنین رفتارهای غلطی به اعراب و مسلمانان محدود نمی‌شود و تروریسم می‌تواند با طبیعت بشر ربط و نسبت پیدا کند نه با یک گروه یا یک باور خاص «تروریسم دولتی» که توسط کارمندان دولتی جامه عمل می‌پوشد یا به بهانه‌ای که ممکن است برای چنین عملی دست و پا شود، باید به عنوان تروریسم معرفی شود. یک حکومت نمی‌تواند از قدرت، عیادت و در آمد عمومی که توسط مردم برای دفاع از حقوق‌شان و بر پا داشتن عدالت به دست آمده است، برای تجاوز کردن به حقوق ایشان و از بین بردن عدالت استفاده کند. به ویژه در مورد تروریسم دولتی که احتمالا نظام‌مندتر و پایدارتر از تروریسم شخصی است. آن‌طور که در دایره‌المعارف بریتانیکا آمده است: «تروریسم در دولت‌های توتالیتری همچون نازی‌های آلمان و اتحاد جماهیر شوروی در زمان استالین، هر چند به عنوان یک رفتار ناشناخته، اما در عمل به مثابه یک سیاست دولتی پذیرفته شده بود. در این دولت‌ها بارداشت کردن، زندانی کردن، شکنجه و اعدام بدون راهنمایی و ممنوعیت‌های

قانونی به کار گرفته می‌شد. این اعمال از آن‌و صورت می‌گرفت که در جامعه فضای رعب و وحشت به وجود آید و طرف‌داری از ایدئولوژی ملی‌گرایانه و اهداف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دولت مورد تشویق قرار گیرد»

سیاست گسترش ترس و وحشت در جامعه از سوی خیلی از رژیم‌های سیاسی‌ظالمانه در آمریکای لاتین، جهان عرب، جنوب و جنوب شرقی آسیا و دیگر سرزمین‌های جهان به کار گرفته می‌شود. در قتلون آمریکا رفتار تروریستی به معنای هر فعالیتی است که نسبت به زندگی انسان خشنوت‌آمیز و خطرناک قلمداد شود که این رفتار در واقع تجاوز به حقوق خرابی است. به نظر می‌آید معنای این قانون آن‌طور که از آن استفاده می‌شود ترس و وحشت ساختن مردم غیرنظامی آبرای اهداف سیاسی ا باشد. به تعبیر دیگر، تاثیر نهان در سیاست یک حکومت با اراعب و اجبار یا متاثرساختن رفتار آن از طریق ترور یا آدم ربایی امکان دارد قدرت فیزیکی که خاوندان آن را برای دفاع به ما بخشیده است، مورد سوءاستفاده قرار گیرد و در نتیجه به تعرض و خشونت ختم شود. انسان باید سعی کند در سراسر زندگی‌اش از مواهب الهی همچون قدرت فیزیکی مطابق با هدایت الهی استفاده کند. اولین خشنوت، زمانی رخ داد که خودپسندی و غرور حکمفرما شد و هدایت الهی برای عدالت و هدیه عقل بشری نادیده گرفته شد، در اثر این چشم‌پوشی‌ها قایبل برادرش هابیل را به قتل رساند. (ر. ک به قرآن کریم / سوره مائده آیت ۲۷ الی ۳۱)

بریتانیکا در ادامه می‌نویسد: «تروریسم در سراسر تاریخ و در سراسر جهان وجود داشته است. مطابق با گزارش گزنفون (۴۳۹-۴۲۰ ق. م) مورخ یونانی عهد باستان، در یونان قدیم نیز نیکاراگوئه را سرنگون سازد. اسراییل به واسطه بمب‌گذاری در اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی در لبنان و بنابر آنچه ادعا شده است گه‌گاه با آدم‌ربایی شهروندان کشورهای دیگر که زبان نقیض عقاید مذهبی در اسپانیا دستگیری استبدادی و دلخواه، شکنجه و اعدام برای مجازات، به کار گرفته می‌شد. روسپیگر در طول انقلاب فرانسه آشکارا از ترور به عنوان حامی و دلگرمی‌دهنده به ارزش‌های انقلابی دفاع می‌کرد. در نتیجه

نشست بررسی «تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطا» برگزار شد

مسیحیت فلسفی



هادی مشهدی: کتاب «تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطا» نوشته اتین ژیلسون، فیلسوف فرانسوی، سه‌شنبه‌سی و یکم خرداد در مرکز فرهنگی شهر کتاب، با حضور شهرام پازوکی، عضو هیات علمی انجمن حکمت و فلسفه ایران و عضو گروه فلسفه فرهنگستان هنر، سید حمید طالب‌زاده، استادیار گروه فلسفه و رضا گندمی‌نصرآبادی، عضو هیات علمی دانشگاه فقه و فلسفه، مورد نقد و بررسی قرار گرفت. اتین ژیلسون، مورخ و فیلسوف فرانسوی نو‌تومایی است. نام او با فلسفه قرون وسطا یا با فلسفه مسیحی گره خورده است و هوادار مکتب تومیسم یا فلسفه توماس آکویناس است. ژیلسون پس از فارغ‌التحصیلی از سوربن در دانشگاه‌های لیل و استراسبورگ تدریس کرد و پس از آن کرسی فلسفه قرون وسطا را در سوربن و سپس در کولژ دو فرانس به دست آورد. در تأسیس انستیتو مطالعات قرون وسطا در دانشگاه تورنتو نقش فعال داشت و به ریاست آن رسید. در سال ۱۹۴۶ به عنوان عضو آکادمی فرانسه برگزیده شد. آثار ژیلسون هم دربرگیرنده نوشته‌های صرفا تاریخی است و هم تفاسیر انتقادی. به عقیده او فقط سه فیلسوف بزرگ وجود دارد: افلاطون، ارسطو و آکویناس. مسیحیت از آثار او از جمله «نقد تفکر فلسفی غرب از قرون وسطا تا اوایل قرن بیستم»، «عقل وحشی و قرون وسطا»، «مبانی فلسفه مسیحیت» و... در ایران ترجمه و چاپ شده‌اند. «تاریخ فلسفه مسیحی در قرون وسطا» و رضا گندمی‌نصرآبادی، به فارسی برگردانده و انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب قم و انتشارات سمت آن را منتشر کرده است.

شهرام پازوکی:

در میانه عقل و دین

نزدیکی فلسفه ژیلسون به فلسفه صدراتی و پایبندی توانان وی به عقل ارسطویی و دین از ویژگی‌های فلسفه اوست. از این‌رو می‌توان او را دنباله‌رو توماس آکویناس دانست. تحت‌تاثیر اقدامات پاپ لئو شانزدهم، مکتب فلسفی نو‌تومایی شکل گرفت که از جمله بنیان‌گذاران آن می‌توان به ژاک ماریتن و شاگردش ژیلسون اشاره کرد. بحران مساله دین در عالم مدرن و رای امیل بریه مبنی بر اینکه در قرون وسطا فلسفه رخ نداده است، ژیلسون را بر آن داشت تا در احیای فلسفه مدرسی همت بگمارد و به قولی طرحی نو دراندازد. ژیلسون در کتاب «روح فلسفه قرون وسطا» ضمن بررسی مفاهیمی چون خلق و عدم و خدای واحدی که خالق است، فلسفه یونانی را دستخوش تحولانی می‌داند که باعث آن ذات مسیحیت

دوران حکومت سیاسی او را (۴-۱۷۹۳) سیطره ترور می‌نامند. بعد از جنگ داخلی آمریکا (۵-۱۸۶۱) جنوبی‌های متמרّد و سرکش اقدام به تشکیل یک گروه تروریستی به نام سازمان سری ضدسياه‌پوستان آمریکا (kukluxklan) کردند. این سازمان درصدد ترساندن حامیان نوسازی بود. در اواخر نیمه قرن نوزدهم، تروریسم توسط هواپاران آثارشیسیم در اروپای غربی، روسیه و آمریکا نیز مورد قبول قرار گرفت. آنان باور داشتند که بهترین راه برای تغییرات سیاسی و اجتماعی به صورت انقلابی به قتل رساندن صاحبان قدرت است. قرن بیستم شاهد تغییرات گسترده‌ای در استفاده از تروریسم بوده است. تروریسم تبدیل به مشخصه بارز بخشی از جریان‌های سیاسی، از راست‌های افراطی گرفته تا چپ‌های افراطی، شده است. به هر ترتیب هویت تروریسم به طور عمومی در ارتباط با افراد یا گروه‌هایی شناخته می‌شود که درصدد بی‌ثبات کردن و سرنگون ساختن نهادهای سیاسی موجودند. این رفتار با از یک سو یا از هر دو سوی درگیر در برخی اتفاقات سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است. در این مورد می‌توان اشاره داشت به (۱) کشمکش‌های

ضد استعماری مثل: ایرلند و انگلستان، الجزیره و فرانسه، ویتنام و فرانسه آمریکا (۲) جلال و جنگ بین گروه‌های گوناگون ملی بر سر مالکیت یک سرزمین‌مادری بر مناقشه مثل فلسطین و اسراییل (۳) چالش برای حکمرانی دینی از سوی پیروان ادیان و مذاهب ا گوناگون مثل جنجال میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در ایرلند شمالی. (۴) جنجال‌های داخلی میان نیروهای انقلابی و دولت‌های تثبیت یافته همچون مالزی، اندونزی، فیلیپین، نیکاراگوئه، السالوادور و ژانتین و غیره.» این یک تصویر جهانی صحیح از تروریسم تروریست‌ها به شمار می‌آید. برخی مولفه‌های دیگر هم در سراسر جهان در ایجاد تروریسم دخیل هستند که در رأس آنها می‌تعمل می‌توان به استبداد سیاسی و اجتماعی اشاره داشت که از آن موارد با تروریسم دولتی آغاز شده. مسلمانان و اعراب در این باب مستثنی نیستند ولی اسلام با این قبیل رفتارها مغالغ است و... تروریسم دولتی نوعی وحشتناک از تروریسم را به نمایش می‌گذارد که باید به‌صورت کاملاً جدی ملاحظه شود، خواه علیه دشمنان داخلی به اجرا درآید و خواه علیه دشمنان خارجی. در سال ۱۹۵۷، هواپیمای حامل رهبران پیششار آزادی الجزایر در حالی که هواپیمادر حال پرواز را مراکش به سمت تونس بود به فرانسه یعنی کشوری که این رهبران در آن بارداشت بودند به زور برگردانده شد. آمریکا در سال ۱۹۸۶ از همین روش پیروی کرد و یک هواپیمای مصری که به سمت تونس حرکت می‌کرد و حامل چند فلسطینی بود را در راه ترساندن ساخت و به زور آن را به سیسیل بازگرداند. آمریکا در نیمه دهه ۱۹۸۰، آشکارا مبلغ هنگفتی را برای حمایت از کنتراس اختصاصی داد. کنتراس قصد داشت حکومت نیکاراگوئه را سرنگون سازد. اسراییل به واسطه بمب‌گذاری در اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی در لبنان و بنابر آنچه ادعا شده است گه‌گاه با آدم‌ربایی شهروندان کشورهای دیگر که زبان نقیض عقاید مذهبی در اسپانیا دستگیری استبدادی و دلخواه، شکنجه و اعدام برای مجازات، به کار گرفته می‌شد. روسپیگر در طول انقلاب فرانسه آشکارا از ترور به عنوان حامی و دلگرمی‌دهنده به ارزش‌های انقلابی دفاع می‌کرد. در نتیجه

سیدحمید طالب‌زاده:

فیلسوف، دچار دوگانگی

این بسیار بارزتر است که یک اندیشمند دینی بتواند از موضعی فلسفی به نقد دوران مدرن بپردازد؛ البته فهم ژیلسون از ابن‌سینا دچار دوگانگی است، از این‌رو که وی گاهی مبهوت عظمت ابن‌سیناست و گاهی او را ذیل تفکر یونانی بررسی می‌کند. ژیلسون با ترجمه لاتین آثار ابن‌سینا مواجه بوده است. او گاهی فلسفه شیخ‌الرئیس را خوب فهمیده و بسیار درخشان عنوان می‌کند و گاهی دچار بدفهمی شده است.

ژیلسون در صفحه ۲۷۶ می‌نویسد: «تقدیر چنین بود که ابن‌سینا با الهام دینی و گرایش‌های عرفانی‌اش برای الیه‌اندان مسیحی، هم کمک بزرگی باشد و هم وسوسه‌ای پرمخاطره. کل نظام فکری او نمونه چشمگیری از امکان تبیین طبیعی و فلسفی جهانی بود که به وسیله آموزه نجات که به همان اندازه طبیعی و فلسفی بود، به اوج کمال خود رسید؛ تمام الهی‌دانان مسیحی قبل از آنکه آن را برای هدف خلق خودشان به کار ببرند، مجبور بودند برای ارضای یونانی او از عالم که هم معلول قوانین ضروری عقلی است و هم محکوم آن، راه‌حلی بیابند و هم در صورت امکان آن را رد کنند.» توضیح آنکه این رای مبین این نکته است که ابن‌سینا به‌رغم تاثیر بر الاهی‌دانان مسیحی آنان را مجبور می‌کند که آرای او را مطابق تفکر مسیحی مطرح کنند، این رای حاکی از دوگانگی است. ژیلسون در صفحه ۲۸۱ ماهیت من حیثی را توضیح می‌دهد و می‌گوید ابن‌سینا از تعریف نفس که در تعریف این بدن نیست متوجه می‌شود که نفس بدن نیست. اما باید از ژیلسون پرسید که ابن‌سینا در کجا گفته است که در تعریف نفس، بدن نیست.

وی در واقع در اینجا نیز در فهم ابن‌سینا دچار اشتباه شده است. ژیلسون در جایی دیگر درباره وجوب منطقی ماهیت سخن گفته است، در حالی که در فلسفه اسلامی وجود ندارد و ژیلسون این مطلب را با ضرورت ذاتی منطقی خلقت کرده است. ژیلسون همچنین در صفحه ۲۸۶ و شرح مفهوم فعلیت تام در حکمت ابن‌سینا دچار بدفهمی از قاعده الواحد و علم بسیط الاهی شده است و با توجه به مفهوم آزادی در مسیحیت نظام ابن‌سینایی را یک نظام جبری تلقی کرده است.

یادداشت

نگاهی به تضادها و تحركات اجتماعی-۱

نوسازی اجتماعی در فوران توده‌ها

سروش ملت‌پرست

■ از هر زاویه‌ای که به مسائل، تضادها و تحركات اجتماعی توجه شود و پیرو موارد بادشده، تحولات اجتماعی منظر قرار گیرد، پیشاپیش و فارغ از هرگونه پیش‌داوری و ارزش‌گذاری، با دو جریان و دو دوره زیست ذهنی مواجهیم که هر یک با شرایط، قواعد و نمادهایی ویژه در گستره تاریخ و حیات بشری جلوه‌گر شدند. یکی سنت و دیگری مدرنیت. در این نوشتار ضمن مروری گذرا بر این دو جریان، به مفهوم «نوسازی» و روندی که جوامع باید برای گذر از قالب و محتوای سنتی، پشت سر بگذارند، پرداخته می‌شود.

در قالب ذهنی – اجتماعی سنتی، تحولات بر ماهیت و هویت انسانی معطوف می‌گشت تا زمینه به اصطلاح برای اعتلای درونی انسان فراهم آید. اما در قالب فکری پس از نوزایی – رنسانسی، با دروغ محض شمردن اعتلای درونی انسان‌ها و اشاعه عینی‌گرایی، اعتلای مادی و رفاه اجتماعی انسان‌ها مدنظر قرار گرفت. جامعه‌سنی جدای از آنکه با سطح بهره‌وری محدود و تکنولوژی و آگاهی منطق با عصر قبل از نیوتن شناخته می‌شود، اساسا جامعه‌ای است که کشاورزی در آن محور تلقی شده و تحركات محدود جامعه نیز بر بنیاد خانواده-سازمان می‌یابد و نتیجه تحركات اجتماعی محدود هم نوعی تقدیرگرایی مزمن است، بدین معنا که وضعیت و شرایط عمومی موجود و رکود جامعه، مورد قبول عامه مردم بوده و به ندرت تمایلات به منظور اصلاح امور جامعه ابراز می‌شود.

تاکنون یارسون، مفهوم متغیرهای الگویی را در جوامع سنتی و مدرن به این شرح لحاظ کرده است:

الگوهای وضعیت سنتی:

عطفی

جمع‌گرا

خاص‌گرا

ائتسلی

تداخل‌کار کردها

الگوهای وضعیت مدرن:

غیرعطفی

خودگرا

عام‌گرا

اکتسلی

تفکیک‌کار کردها

ساتون نیز جوامع سنتی را مبتنی بر غلبه گروه‌های پراکنده، غیرنظامی ثابت و غیرمتحرک، نظام شغلی ثابت و فاقد تمایز و نظام طبقاتی بر مبنای پرستیژ اجتماعی می‌داند و در مقابل اعتقاد دارد که در جوامع مدرن ویژگی‌های زیر حکمفرماست:غلبه الگوهای عام، تخصصی و متکی به دستبندی به هدف، گروه‌های متحرک و غیرنظامی ثابت و غیرمتحرک، توسعه‌یافته که از نظام‌های دیگر جداست، تمایلات مساوات‌جویانه همراه با گسترش انجمن‌های حرفه‌ای. از لحاظ امتیازات سیاسی نیز، رابرت وارد و دانکورت راستو، امتیازاتی را برای جامعه مدرن نسبت به جامعه سنتی مطرح می‌کننداز جمله:

وجود نظام کاملاً تخصصی و مجزای سازمان‌های دولتی

– وحدت و ترکیب کامل ساختار واقعی سازمان‌های دولتی

– غلبه روندهای نوگرا و منطقی بر تصمیمات سیاسی

– حجم گسترده و متنوع تصمیمات موثر سیاسی – اداری

– وجود احساس همسازي موثر مردمی با تاریخ، قلمرو و هویت ملی کشور

– علاقه و مشارکت مردم در نظام سیاسی که لزوما مستلزم شرکت در تصمیم‌گیری‌ها نیست

– واگذاری مشاغل براساس لیاقت و ضابطه و نه نسبت خانوادگی و رابطه شخصی

آنچه که از دل تمامی مختصات و ویژگی‌های جوامع مدرن نسبت به جوامع سنتی چهره می‌کند این است که مشارکت عامه و تعیین‌کننده تز آگاهانه، مردم در وضعیت اجتماعی نوین، افزایش یافته و مردم که دیگر با ذهنیتی نوین، میل درونی به بهبود اوضاع، پیشرفت و تحول خواهی پیدا کرده‌اند، هم در تعیین و سرنوشت خود صاحب حقوق بدیعی و پایمال دشمنان می‌شوند و هم به ریک به عنوان عضوی از پیکره عظیم و تودرتوی جامعه می‌توانند تاثیر و نقشی در ارتقای عملکرد دستگاه اجتماعی و ساماندهی جامعه داشته باشند.

در اینجا یادآوری این نکته اهمیت بسزایی دارد که برداشت کلاسیک از توسعه جامعه سنتی نطفه جامعه نوین تلقی می‌شود که الزاما باید روند مستمتر و پر پیچ‌خمش سازندگی را همراه با گذاردن تمایز میان عناصر سازنده خود پشت سر بگذارد و دگرگونی اجتماعی در جوامع سنتی (از جمله ایران) بر مبنای شرایط ویژه و متفاوتی که هریک از این جوامع با آن روبرو بوده‌اند، شکل خاصی به خود خواهد گرفت و در این زمینه حتما باید به تاریخ درهم و برهم و صورت‌های اجتماعی نامهمکن و گاه متعارض جوامع سنتی توجه داشت و بر این مبنا باید دریافت که دگرگونی در ارتباط و پیوستگی با سنت قابل تحقق است و نه با مهر باطل زدن بر تمامی شاخه‌های سنتی.

برای مثال، تحقیقات پیرامون جامعه هند نشانگر آن است که ساختار سنتی خانواده تا چه اندازه به روند صنعتی‌شدن و به‌خصوص به عنوان واحد پس‌انداز و مولد موسسات کوچک کمک کرده است. همچنین تاثیر نظام کاستی بر سازمان و کارکرد احزاب کنگره غیرقابل انکار است. بدین ترتیب، سنت را هرگز نمی‌توان نقطه مقابل نوگرایی برشمرد و موفقیت ساختارهای نوین را صرفا مترادف با پسرفت و محو ساختارهای سنتی دانست.